

واکاوی اوضاع سیاسی شوشتر از ورود تازیان مسلمان تا هجوم مغول (۶۱۶-۵۱۷ ق.)

حمید اسدپور^۱، فضل اله فولادی پور^۲، مسعود ولی عرب^۳

چکیده

شهرستان شوشتر، که در شمال استان خوزستان قرار دارد از شهرهای کهن و با سابقه ایران است، آثار باستانی و اشیای قدیمی مکشوفه از نواحی مختلف شوشتر، همچون همچون فدَلک^۴، گِلالک^۵، دَسْتووا^۶ و عَسْکرْمُکْرَم^۷ (رُستَبادا^۸- رُستم کواذ^۹) و گتوند^{۱۰} و عقیلی و... پیدا شده اند نشانده جایگاه بسیار مهم شوشتر در دوران باستان دارد. شوشتر بعد از ورود تازیان مسلمان، جایگاه خود را به عنوان مرکز ایالت (کوره، خوره) خوزستان، حفظ کرد. در زمان فتوحات اسلامی، شوشتر به عنوان کانون مقاومت ایرانیان در برابر یورش تازیان محسوب می شد، که به دلیل وجود شرایط جغرافیایی و استحکامات نظامی و داشتن قلعه (دژ) سَلَسِل (نام باستانی این قلعه در دوره اسلامی، فراموش شده است) و خندق های و حصار های فراوان و همچنین دلاوری و جنگاوری فرمانده سپاه شوشتر، هرمزان، حدود دو سال، فتح شوشتر، طول کشید. براء بن مالک انصاری ابتدا فرماندهی سپاه اسلام را برعهده داشت و بعد از کشته شدن او، ابوموسی اشعری، خود فرمانده تازیان مسلمان را برعهده گرفت. در دوران حکومت خلفای اموی، خصوصا در سال های ۶۵ ق تا ۹۵ ق شوشتر مرکز تحولات سیاسی خورارج علیه سیاست های تبعیض آمیز امویان گشت و والی عراق، حجاج به یوسف ثقفی شخصا، برای سرکوب قیام های خورارج وارد شوشتر شد. البته شوشتر

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر

^۲ - عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان

^۳ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام از دانشگاه خلیج فارس بوشهر ، m.valiarab@yahoo.com

^۴ Fedelak

^۵ Gelalak

^۶ Dastoova

^۷ Askar Mokram

^۸ Rost Qobad

^۹ Rostam Kovaz

^{۱۰} Gotvand

علاوه بر تحولات داخلی ایران، تا حدودی تحت تاثیر عراق عرب هم بوده است و تحولات سیاسی در بصره و کوفه و سپس بغداد، بر اوضاع سیاسی شوشتر اثر گذار بوده است. در این پژوهش سعی بر این است که به این پرسش پاسخ دهیم که چه عواملی باعث شده بود، که شوشتر در کانون تحولات سیاسی خوزستان در ادوار مورد نظر قرار بگیرد؟ فرضیه محوری این است که در تاریخ سیاسی شوشتر موقعیت جغرافیایی و نظامی شهر و وجود قلعه مستحکم سلاسل باعث اهمیت این شهر بوده و این عوامل نه تنها بر اوضاع سیاسی شوشتر تاثیر گذار بوده بلکه شوشتر را به عنوان کانون و کرسی ایالت خوزستان مطرح می ساخت.

واژه های کلیدی: مرکز ایالت خوزستان، شوشتر، هرمزان، ورود تازیان مسلمان، تحولات سیاسی، ایلخانان.



مقدمه

شوشتر یکی از شهرهای تاریخی و کهن ایران زمین است که مطابق الگوهایی که ماکس وبر در پیوند با شکوفایی شهرها ارائه می دهد رشد و شکوفایی تاریخی آن، نتیجه تلفیق دو عنصر بازار و دژ بوده است. (وبر، ۱۳۹۰: ۷۰) شوشتر و بازار آن به همراه دژ اصلی شهر شوشتر که کانون اصلی تشکیل و گسترش شهر شوشتر بوده اند، نمونه بارزی از یک شهر ایرانی و اسلامی است. دژ شوشتر با نام معروف سلاسل، کارکردی سیاسی و نظامی داشته است اما بازار شوشتر به عنوان رکن اصلی اقتصاد و اجتماع شوشتر، دو نقش مهم در جهت گسترش و شکوفایی تاریخی ایفا کرده است. نخست نقش اقتصادی، دوم نقش اجتماعی و سیاسی، بازار شوشتر مهم مکانی برای مبادله کالا و مبادلات اقتصادی است. همچنین مکانی برای شکل گیری مناسبات اجتماعی و سیاسی بوده است. دژ شوشتر که در مجاورت آن قرار داشت مکانی برای اهل سیاست و رزم این شهر بود. به این معنا که دژ شوشتر همواره محل زندگی حاکم و مکان اداری و سیاسی اصل شهر بود و مناسبات حکومتی و سیاسی در آن شکل می گرفت.

شوشتر که به عنوان کرسی یا جامع خوزستان در تاریخ مشهور است. در بیشتر ادوار، مرکز این ایالت به شمار می آمده است در اواخر دوره ساسانی، هرمان حاکم شوشتر شد و با استفاده از موقعیت ویژه این شهر تسلط و نظارت خویش را بر سایر شهرهای ایالت خوزستان گسترش داد. با ورود تازیان مسلمان به ایران، شوشتر یکی از شهرهایی بود که در برابر یورش تازیان مقاومت کرد. پس از اسلام نیز مرکزیت خود را در خوزستان تا اواخر قاجاریه حفظ نمود. اگر چه در حال حاضر بازار قدیم شوشتر دیگر وجود ندارد؛ این بازار که قیصریه نامیده می شد، در سال های ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ ه.ش. توسط شهرداری شوشتر تخریب شد. و همچنین قلعه سلاسل، در سال های ۱۳۴۲ - ۱۳۴۷ - ۱۳۵۷ ه.ش. زلزله و سیلاب بخش های زیادی تخریب کرد، در سال های جنگ تحمیلی آسیب های فراوانی دید به طوری که رونق گذشته خود را، از دست داده است. این پژوهش درصدد واکاوی و بازخوانی اوضاع سیاسی و اجتماعی شهر شوشتر از هنگام ورود مسلمانان تا عهد ایلخانان است و در پی کشف زوایای ناشناخته آن می باشد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در مورد اوضاع سیاسی شوشتر از ورود تازیان تا پایان حکومت ایلخانان انجام نشده است اما، در مقاله «رستقباد خوزستان و رستقباد عراق؛ بررسی جغرافیای

تاریخی نام های مشابه» که تاکید عمده آن بر جایگاه تاریخی رستقباد و عسکر مکرم بوده است، به برخی از حوادث سال های ۶۰ تا ۹۰ ق اشاره های شده است. (عطایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۰: ۱۱۳-)

در مقاله «تاثیر فتوحات اسلامی و سیاست های مالی تازیان مسلمان بر کشاورزی خوزستان» که تاکید اصلی پژوهش بر مسئله زمین و خراج و سیاست مالی و شکوفایی و افول کشاورزی خوزستان بوده است به صورت گذرا به مسئله فتح خوزستان اشاره شده است. (بحرانی پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳-۵)

در مقاله «دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۵۳.ق» که تلاش نویسندگان آن بر شناسایی جایگاه تاریخی شهرهای عسکر مکرم و دورق استوار بوده است، و در خلال مباحث جغرافیای تاریخی و اقتصادی، به صورت بسیار گذرا به برخی از رویدادهای سیاسی شوشتر در اواخر قرن اول هجری پرداخته اند. (بحرانی پور و کاظمی، ۱۳۹۴: ۲۸-۱)

تحقیقاتی که بیان شد، چندان رغبتی به مسائل سیاسی شوشتر در جریان فتوحات اسلامی و ورود تازیان مسلمان به شوشتر نشان نمی دهند و تمرکز اصلی آنان بر جغرافیای تاریخی و مسایل مالی و اقتصادی بوده است. پژوهش حاضر سعی دارد تا جریان و حوادث سیاسی شوشتر را از زمان ورود تازیان مسلمان تا پایان حکومت ایلخانان بررسی نماید.

موقعیت و حدود جغرافیای شوشتر

شوشتر در حال حاضر، با مساحت حدود ۲۴۳۶ کیلومتر مربع در شمال استان خوزستان و بین ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۱ درجه و ۳۶ دقیقه شمالی از خط استوا قرار دارد. شوشتر در شمال استان خوزستان، واقع است از نظر طبیعی دامنه ی پایانی کوه های زاگرس، مرز شرقی آن و رودخانه دز مرز غربی این شهرستان را تشکیل می دهد. میانگین ارتفاع شوشتر از سطح دریا، ۱۵۰ متر و ارتفاع نقطه مرکزی آن، از سطح دریا ۶۵ متر است. فاصله شوشتر تا اهواز ۸۵ کیلومتر و تا تهران، ۸۳۱ کیلومتر و تا خلیج فارس ۲۲۲ کیلومتر است. (بیات، ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۵۹)

در صدر اسلام، شوشتر از نظر وسعت بیشتر بوده است و شامل مناطقی همچون گتوند، عقیلی، دشت بزرگ، هفت شهیدون، و جلیعه، تا نزدیکی های سیا منصور ادامه داشته است و حتی در دوره صفویه بنا بر اسناد به جا مانده از خاندان گرجی تبار واخوستی خان که حاکمان شوشتر در سال های (۱۰۴۲-۱۱۶۷.ق) بوده اند، اشاره به این دارد که، املاک و زمین های بسیار زیادی در مناطق فتح آباد، نجف آباد، شاه آباد، و حتی شمس آباد، تحت اختیار حاکم شوشتر بوده است. (برای بررسی بیشتر در این مورد ر.ک. ولی عرب و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۲)

وجه تسمیه شوشتر

زکریا قزوینی در اثر خویش یعنی آثار البلاد و اخبار العباد، در قرن هفتم هجری می نویسد: «تستر ولایتی مشهور است و حال آن را شوشتر می نامند.» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۲۷) انصاری دمشقی که او نیز در قرن هفتم هجری کتاب خود را تالیف کرده در بیان وجه تسمیه شوشتر آن را منسوب به ششتر پسر فارس می دارد که معرب آن تستر است» (انصاری دمشقی، ۱۳۸۳: ۲۸۱) حافظ ابرو در قرن نهم هجری بیان می دارد که «تستر قصبه بلاد خوزستان است که حالا عوام آن را ششتر می خوانند.» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۹۳/۲)

در وجه تسمیه شوشتر مورخان چنین نگاهشته اند «هنگامی که هوشنگ (پیشدادی)، به این مکان رسید گفت: اینجا شوشتر است و استعداد آن برای بنای شهری بهتر از شوش را دارد.» (شوشتری، ۱۳۹۱: ۷۱) پس به مهندسان کارآزموده حکم فرمود که طرح شهری عالی در آنجا ریختند و به کار مشغول شدند. (شوشتری مرعشی، ۱۳۵۲: ۱۱) چون شهر شوشتر را بنا کردند بنا بر فراوانی خوبی و لطافت آب و هوا، آن را این نام کردند. (جزایری، ۱۳۸۸: ۷۸) (شوشتر) نام خطه ایست منتخب از ریاض دارالسلام از هفت اقلیم ربع مسکون چون فصل بهار به لطف اعتدال و طبع امتیاز دارد و هوای بهارش پر لطافت، باد هر دمی صد جلوه گری و ناز دارد. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۳۴)

جغرافیای تاریخی شوشتر (تستر) پیش از اسلام:

شهر تاریخی «دستوا» در منطقه شوشتر

شهر شوشتر به علت قرار گرفتن در میان دو شاخه (شعبه) رود کارون و وجود سدهای طبیعی و صخره های بزرگی در مسیر این رودخانه همانند بند ماهی بازان امکانات مناسبی را برای اقوام مستقر در این ناحیه فراهم آورده است. مکان قدیمی شهر دستوا (دستوا، دست آباد، دشت آباد- دشت وآ- دشتوا) در سه کیلومتری جنوب شرقی شوشتر (منطقه شیلیلی) در اراضی معروف به بند ماهی بازان است. این شهر شامل آثاری از دوره‌ی، ایلام نو، الیمایید، پارت، ساسانی است. صاحب قاموس در ماده د.س.ت گوید: «دست به معنی دشت و دست از جامه و کاغذ و صدرخانه معروف است و همه معرب است و دستوا به مد و الف دهی است در خوزستان که در نسبت به آن دستوائی و دستوائی گویند». یاقوت گوید: «سمعانی گفته دستوا شهری است به خوزستان و جمعی از علما بدان منسوب اند و تیاب دستوائی را به آن نسبت دهند». از سخنان دو نویسنده مزبور ظاهر می- شود که دستوا شهرکی در خوزستان بوده است نهایت آن که محل آن را تعیین نکرده اند. محققاً کلمه دستوا معرب دشت آباد است به قاعده آن که در شوشتر حسام آباد را حسمووا و مهدی آباد را مهدیوا و عشرت آباد را عشتووا گویند. (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۳۳-۱۲۷؛ همدانی، ۱۳۵۸: ۱۶۴) یاقوت تصریح می کند که رستقباد در زمین دستوا است (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۶۴)

رشیدالدین فضل الله همدانی در ابتدای قرن هشتم هجری دربارهٔ دستووا می نویسد «پنج قطعه زمین وسیع که در ولایت دستاباد (دستووا- دستوا) واقع است و از املاک بما منتقل شده و معروف به محوطات جلالی است...» (فضل اله همدانی، ۱۳۵۸: ۱۶۴) رشیدالدین در اینجا، از ولایت دستاباد (دستووا) نام برده است اما، در جای دیگری از نامه هایش از صحرای دستبَاد نام می برد (همدانی، ۱۳۵۸: ۱۶۱) بر ما آشکار می شود که در زمان خواجه فضل الله همدانی، دستووا هم بر ولایتی اطلاق می شده و هم نام صحرای وسیعی بوده است.

باتوجه به آثار کشف شده در منطقه دستووا در شوشتر برخی از ابهامات جغرافیای تاریخی این منطقه کم رنگ شده است. نخستین بار در مورد دستووا، مقاله ای توسط علی اکبر سرفراز ارائه می شود. این ترانسه به طول و عرض 4×4 متر تقریباً در مرکز اراضی دستووا و نزدیک به مسیلی که در اثر فروکش آب ایجاد گشته بود حفر شده است. (سرفراز، ۱۳۴۸: ۷۶-۷۹) اما در سال های بعد از آن، پژوهشگران دیگری نیز به منقطع دستووا پرداخته اند. که مهمترین این پژوهشگران و باستان شناسان عبارتند از، عباس علیزاده، عباس مقدم، مهدی رهبر، سعید زاهدزاده. (علیزاده، ۱۳۸۲؛ مقدم، ۱۳۸۵؛ رهبر، ۱۳۷۳؛ زاهدزاده، ۱۳۹۵)

بررسی ها و گمانه زنی هایی که در این منطقه انجام شده است، اما هرگز برنامه اصولی که بتواند منجر به شناسایی عناصر اصلی این شهر تاریخی گردد تدوین و اجرا نشده است. با کمال تأسف همه ساله بخش هایی از این شهر تاریخی به دلایل و عناوین مختلفی دستخوش تخریب و نابودی قرار می گیرد. ایجاد حوضچه های پرورش ماهی در ازای تخریب شهر تاریخی دستووا، این موضوع سال هاست به صورت رویه ای معمول در آمده است. به عنوان مثال: شرق بند ماهی بازان، روستای چَم کُنار و روستای نورعلی - که متعلق به دوره ایلامی تا ساسانی می باشند - تبدیل به مجتمع های پرورش ماهی شده اند و فاجعه بزرگ و جبران ناپذیری در قبال آثار باستانی منطقه به بار آورده اند. (زاهدزاده، ۱۳۹۵: ۲۵)

در سال ۱۳۶۷ ه.ش. در شوشتر هم تابوت های سفالینی از دوره پارت ها بدست آمده که به لعاب آبی فیروزه ای آراسته بوده و انواع اشیاء را در کنار تابوت و در دخمه برای مردگان باقی نهاده اند.

روشی که در دفن تابوت ها و نهادن اجساد در درون آن ها در کنگاور و همدان رواج داشت ساده و بی پیرایه بوده اند. در این سبک تدفین ها هیچگونه لوازمی به همراه مردگان دفن نشده است یا سکه ای زیر سر آن ها نگذاشته اند. این شیوه صرفاً مربوط به دوره هخامنشی است که با تدفین های طاقباز تابوت های چشمه تخت جمشید کاملاً تطبیق می کنند. (معطوفی، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

جغرافیای تاریخی شوشتر (تستر) پس از اسلام :

شهر تاریخی «عسکر مکرم» در منطقه شوشتر

در جاده شوشتر - اهواز، نزدیک پل بند قیر، در سمت چپ روستای جلیعه، منطقه ای است که آن را، همان شهر تاریخی «عسکر مکرم» دانسته اند.

وجه تسمیه «عسکر مکرم» را چنین نگاشته اند «حجاج بن یوسف ثقفی خدمتگزاری داشت به نام «مکرم»، چون او با سپاهیان حجاج بن یوسف ثقفی وارد این مکان شد مردم همه به جانب او آمدند ساختمان ها ساختند از آن به بعد «عسکر مکرم» نام گرفت» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۲۲) «عسکر مکرم پیش از این روستایی بیش نبود تا اینکه مکرم پسر الفرز الباهلی آن را به صورت شهری در آورد.» (دمشقی انصاری، ۱۳۸۳: ۲۸۱) مؤلف حدود العالم در قرن چهارم هجری می نویسد: «عسکر مکرم» بین دو رودخانه قرار دارد». (ناشناس، ۱۴۲۳ ه.ق: ۶۰) از «عسکر مکرم» مقنعه های ابریشمی به بغداد پایتخت خلافت عباسی می برده اند. «مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۲۲) ابن عبد ربه در قرن چهارم هجری «از پارچه های عسکریه و دستوانیه نام می برد که در نزدیکی شوشتر تولید می شده اند و شهرت زیادی داشته اند.» (ابن عبدربه، ۱۴۰۴ ه.ق: ۷/ ۲۸۰) در ادامه این پژوهش به تحولات سیاسی که در شهر عسکر مکرم اتفاق افتاده است، اشاره می شود

تاریخ نگاران و جغرافیای دانان مسلمان در خصوص سیمای شهر شوشتر در منابع خویش، اشاره هایی داشته اند که نشانگر دیدگاه آنان در خصوص شهر شوشتر است. به عنوان مثال مقدسی در اثر خویش احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم توصیف بسیار زیبایی از شوشتر دارد «در همه سرزمین خوزستان، زیباتر و مهم تر از تستر (شوشتر) شهری نیست. رودخانه به دور آن می چرخد نخلستان ها و باغها آنرا فرا گرفته است. بافندگان بسیار زیر دستی در آن شهر هستند که دیبا می بافند. باغهایش پر از خرما واترج و انار و انگور و گللابی است. به راستی که تستر (شوشتر) بهشت خوزستان است. دیبای آن را به مصر می برند، از سراسر عالم، برای دیدن آن، مشتاقانه، می شتابند در تابستان آب رودخانه های آن سرد است. آب های زیرزمینی (کاریز، قنات) بسیار دارد گرمای هوا، در تابستان، در این شهر، بیدادها می کند. رودخانه ها همانند خندق آن را محصور کرده اند پل بسیار بزرگی دارد که در مسیر دروازه جندی شاپور قرار دارد. مسجد جامع لطیفی دارد این مسجد، در بازار بزازان در وسط شهر قرار دارد ابتدای دروازه تستر بازار بزازی دیگر نیز هست. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۱۱) رودخانه های تستر (شوشتر) شگفت انگیز، پارچه هایشان دیبا و ابریشمی، نیشکر فراوان دارد و «عسکر مکرم» که به تنهایی، برای تامین آذوقه دو کشور، کفایت می کند. با این همه کانی های نفت و قیر، طبیعت بکر و زیبا، در میان «فارس» و «عراق» بی همتا ست. فتوحات اسلامی، در آن روی داده، و ستیز عرب، با این شهر، شهره آفاق است.»

«از فقیه و عالم بی بهره نیست و در «هفت اقلیم» داناتر از ایشان نیست. دولاب‌های قشنگ، آسیاب‌های شگفت‌انگیز بسیار فراوان دارد. درآمد تستر (شوشتر)، پشتوانه مخارج دربار خلیفه عباسی است.

در هفت اقلیم بهتر از آن نمی‌شناسم. چه سرزمینی گرانقدری است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۰۳-۶۰۲) «اهل آن ولایت، دولتمند و هنرمند، هنر ایشان، بافت دیباست» (انصاری دمشقی، ۱۳۸۳: ۲۲۶) بر شاذروان، پلی است که طول آن، پانصد و شصت و سه گام است و مسرقان نامیده می‌شود می‌شود. (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۴۱)

یاقوت حموی درباره شوشتر بیان داشته است که «تستر (شوشتر) بزرگ‌ترین شهر خوزستان است و آن معرب شوشتر است شاپور اول (۲۷۳-۲۴۲ م) شاذروان را نزدیک حصار شوشتر (دروازه جندی شاپور) بساخت تا آب رودخانه کارون وارد شهر شوشتر شود به خاطر اینکه شوشتر بر روی تخته سنگ بزرگی قرار گرفته است، شاذروان، سدی شگفت‌انگیز است با سنگ خارا و ستون‌های آهنین با ملاطی که از سرب ساخته اند و در جهان، بنایی استوارتر از آن نیست.» (حموی، ۱۳۸۳: ۷۳۱/۱-۷۳۰)

فتوحات اسلامی و اهمیت فتح شوشتر

هرمزبان و فرمانروایی او در خوزستان

در مورد شهر شوشتر در اواخر دوره ساسانی باید به حضور هرمزبان به عنوان حاکم خوزستان اشاره شود و مقاومت او در برابر اعراب مسلمان مشهور است.

فتح خوزستان در زمان خلافت خلیفه دوم، عمر بن خطاب (۲۳-۱۳ق) به دست ابوموسی اشعری والی بصره، اتفاق افتاد. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۲۱۲).

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که شوشتر به دلایل نظامی و جغرافیایی و استراتژیکی که داشته است و قلعه مستحکمی که داشته و دورتادور آن خندق بوده است کانون مقاومت ایرانیان در برابر یورش تازیان مسلمان بوده است به طوری که سراسر خوزستان و بخش هایی از استان های فارس و کرمان و ... فتح می شود اما هنوز شهر شوشتر مقاومت می کند و رشادت ها و دلاوری های مردم شوشتر و هرمزبان فرمانده این شهر، در مدت حدودا دوسال مقاومت در برابر تازیان مسلمان، در تمامی منابع تاریخی ذکر شده است که خود نشان از اهمیت فتح شوشتر برای تازیان دارد. (طبری، ۱۳۶۲: ۷۴۳/۲-۷۴۲) اگر سرزمینی به عنوه فتح شده باشد، در این حالت دو وضعیت پیش می آمد

اول اینکه امام آن را میان فاتحان تقسیم کند، چنان سرزمینی مشمول عشر می شود (یک دهم) و مردمانش نیز برده خواهند بود.

دوم اینکه اگر امام آن را تقسیم نکند و به عموم مسلمانان واگذارد، در آن صورت مردم ساکن آن زمین بایست جزیه و خراج دهند ضمن اینکه دیگر برده نخواهند بود اگر آن مردمی که جزیه می دادند مسلمان می شوند از آن پس، آن ها زمین هایشان را حفظ می کنند و فقط خراج و زکات می پردازند. (بلاذری، ۱۳۷۷: ۶۲۴)

در مورد هرمزان و مقاومت او در جریان فتوحات اسلامی، بلعمی نوشته است که: «در اهواز و اطراف آن قبائل عرب کلب بن وائل حضور داشتند و این قبائل با هرمزان، به شدت دشمنی و درگیری داشتند هنگامی که مسلمانان، در جریان فتوحات خویش، به اطراف اهواز رسیدند، این قبائل به یاری مسلمانان شتافتند و به نبرد با هرمزان پرداختند» مقدسی در قرن چهارم هجری درباره هرمزان نگاشته است: «هرمزان از اهواز خود را به شوشتر رساند و حصار شوشتر را مرمت کرد و آذوقه برای مدت طولانی نبرد فراهم کرد به دیگر سرداران ایران نامه نگاشت و طلب یاری نمود.

ابوموسی اشعری شرایط رشادت های هرمزان را به خلیفه دوم بوسلیه نامه گزارش داد خلیفه نیز نیروهای تازه نفسی به جانب شوشتر فرستاد ابوموسی اشعری از مقاومت هرمزان به ستوه درآمد بار دیگر به خلیفه نامه نوشت و درخواست نیروی جدید کرد. «بلعمی، ۱۳۷۸: ۴۹۱/۳» فتح شوشتر را در سال ۱۷ ه.ق و برخی دیگر در سال ۱۹ ه.ق و برخی در سال ۲۰ ه.ق نگاشته اند. (مقدسی ۱۳۷۴: ۸۵۳/۲)

ابوعلی بلعمی درباره جنگ هرمزان با سپاه اسلام می افزاید: «هرمزان در شوشتر که شهر اصلی و میانه پادشاهی بود و حصار مستحکمی داشت پناه گرفت هرمزان در نزدیکی پل شاذروان، در قلعه ای مستقر شد این قلعه نفوذ ناپذیر نشان می داد زیرا از یک طرف آن رودخانه، و از طرف دیگر خندق، آن را فرا گرفته بود.» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۴۹۲/۳؛ بلاذری ۱۴۱۷ ه.ق: ۳۳۹/۷)

چگونگی فتح شوشتر توسط ابوموسی اشعری

ابوحنیفه دینوری در قرن سوم هجری درباره چگونگی ورود سپاهیان اسلام به حصار شوشتر نگاشته است که «ابوموسی اشعری، به لشکریان خویش گفت چه کسی حاضر است جان خود را به خطر اندازد و به همراه سینه (نام همان ایرانی که مسلمانان را راهنمایی کرد) وارد حصار شوشتر شود. ابوموسی و یارانش، به کمک راهنمایی های آن مرد که نام او را، پیر بلدی هم بیان کرده اند، توانستند حصار شوشتر را، در نوردند به تیغ تیز در این ستیز به یکدیگر تاختند و کار هرمزان را ساختند. هرمزان به ناچار، امان خواست. (دینوری، ۱۳۸۳: ۱۶۶) یاقوت حموی درباره اقداماتی که ابوموسی اشعری، انجام داد، می نویسد:

بعد از آنکه دژ شوشتر به وسیله صلح فتح شد ایرانی (شوشتری ها) فرزندان خود را در رود کارون می انداختند که اسیر مسلمانان نگردند. ابوموسی اشعری همه کسانی را که در دژ (قلعه سلاسل) بودند بدون هیچ دلیلی، به قتل رساند چرا که به گفته او، امان نداشتند. رفتن هرمزان به مرکز خلافت اسلامی، که در آن زمان مدینه بود چندان به علاقه و رغبت نبود. سرانجام هرمزان، با قتل خلیفه دوم (۲۳-۱۳ ه.ق)، مصادف بود زیرا، عبیدالله بن عمر، هرمزان را بی جرم و بی جنایت تنها به دلیل سوء ظنی که به وی داشت به قتل رسانید. در این باره ابن العبری در قرن ششم هجری نگاشته است «خلیفه دوم (عمر بن خطاب) در روز چهارشنبه پنج روز باقی مانده از ماه ذی الحجه سال ۲۳ ه.ق به قتل رساند. ابولؤلؤ فیروز برای خلیفه دوم آسیابی ساخت که تا قیامت از چرخش نخواهد ایستاد ابولؤلؤ که غلام مغیره بن شعبه بود با خنجر به تهیگاه خلیفه دو ضربه زد و عمر بن خطاب، سه روز بعد از این ضربه، به قتل رسید. هرمزان را به جرم شراکت در قتل عمر بن خطاب، بدون هیچ محاکمه ای، به قتل رساندند. (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۴۲/۱)

این دژ مکرر روی به ویرانی نهاده و آن را تعمیر نموده اند یک دفعه بدست فتحعلی خان حاکم خوزستان در قرن ۱۱ هجری (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۳۹) و دفعه دیگر در سال ۱۲۳۷ ه.ق به دست محمدعلی میرزای دولتشاه بار دیگر به امر نظام السلطنه حسینقلی خان مافی در ۱۳۰۷ ه.ق که آن را مرمت کامل نمود. (حسین خان نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۱/ ۱۵۳) لیکن قلعه در نتیجه باران سال ۱۳۴۲ ه.ش و زلزله ۱۳۴۷ ه.ش خرابی بسیار دیده و اگر به زودی تعمیر نشود این ساختمان تاریخی بکلی از میان خواهد رفت.

این حصار برای حفاظت شهر از دخول ناگهانی قشون اجنبی و دخول جانوران وحشی بنا شد و این حصار تا زمان نادر شاه باقی بوده و تعمیر می شد و در زمان صفویه، جماعت قزلباش در قلها و قلاع آن مستحفظ دائمی بودند. بعد از زمان نادرشاه از ابتدای سلاطین قاجاریه بدون مستحفظ ماند. (شرف الدین، بی تا: ۷)

شورش های خوارج در شوشتر در دوره اموی

یاقوت حموی به نقل از حمزه اصفهانی درباره رستم کواذ نگاشته است که: «رستقباذ» معرب «رستم کواذ» (رستم قباد، رستاکواذ) است و آن شهری متمدن در خوزستان بوده، که در صدر اسلام (به دلالت نامعلوم) خراب شد و به سبب حضور غلام یوسف ثقفی مکرم بن معز (مفراء) الحارث در این مکان، که به جنگ خوارج آمده بود «عسکر مکرم» نامیده شد. (حموی، ۱۳۸۳: ۴ / ۱۲۴-۱۲۳؛ ملایری، ۱۳۷۹: ۲ / ۲۸۱)

وقتی حجاج بن یوسف ثقفی به حکومت رسید با خشونت و بدرفتاری که داشت باعث آزار و اذیت موالی و فشارهای سیاسی بر نو مسلمانان شد. (مسعودی، ۱۳۸۱: ۲۹۷)

در مورد شهر شوشتر، در منابع تاریخی پیوندی میان حجاج بن یوسف و مخالفان سیاسی او در شوشتر وجود دارد که ذیل حوادث سال های ۶۸ ه. ق تا ۹۵ ه. ق اشاره می شود. (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۱۸-۳۱۷)

البته این اشاره ها در منابع تاریخی محلی شوشتر که بیشتر در سده های یازدهم و دوازدهم و سیزده هجری نگاشته شده اند نیز یافت می شود، خصوصاً تأکید بر حضور حجاج به یوسف ثقفی در شوشتر و دستور تخریب پل تاریخی شادروان از جمله اقدامات او محسوب می شود. (جزایری، ۱۳۸۸: ۸۵؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۵۱)

رویدادهایی که بیشتر نشان دهنده حضور جوارج در شوشتر دارند و اینکه همراهی موالی با خوارج مشهود است و شوشتر عموماً کانون عصیان علیه سیاست های اموی محسوب می شود به دو مورد از این قیام ها و شورش ها اشاره می شود. منابع تاریخی از نبرد مغیره بن مهلب با خوارج به سرکردگی نافع بن ارزق یاد می کنند که در کنار رودخانه شوشتر جای گرفته بود. (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۱۸-۳۱۷)

نبرد حجاج بن یوسف ثقفی با ابن اشعث نیز از جمله رویدادهایی است که کانون اصلی آن شوشتر بوده است و از اسکان حجاج در هفت فرسخی (فرسنگی) اهواز (احتمالاً شوشتر) یاد کرده اند. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۸۷/۷)

طبری در قرن چهارم هجری، در بیان حوادث سال هشتاد و یک هجری می نویسد: «حجاج بن یوسف ثقفی با سپاه خویش به جانب شوشتر آمد در رستقباد (رستم کواذ) جا گرفت که از توابع دستووا بود و عبدالرحمن بن محمد بن اشعث به شوشتر جا گرفت و میان حجاج و ابن اشعث رودی فاصله بود». (طبری، ۱۳۷۵: ۸ / ۳۶۸۶)

وجود قلعه های رستم در نزدیکی گتوند از توابع شوشتر و همچنین در نزدیکی عقیلی که آن نیز از توابع شوشتر بوده است، قابل تأمل است.

در شوشتر اخیراً هر بقعه ای که بوده از دویست سال پیش امواتی در جوار او دفن نموده اند و کمتر بقعه ایست که قبر دور آن نباشد. سابق بر این به نقل از مقدسی قبرستان در وسط شهر بوده زمانی که مرحوم حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء به شوشتر آمد فرمود: از شوشتر چیزی که مرا خوش آمد آن است که قبرستان های ایشان داخل شهر است. گویا غرض ایشان عبرت گرفتن مردم از اهل قبور و به مضمون هذه قبور هم و هذه قصورهم باعث موعظه مردم و جلوگیری از معاصی و نافرمانی خداوند متعال و فراموش نکردن اموات خودشان بوده. مقابر بزرگ دوره اسلامی بزرگترین مقبره ها، مقبره مقام خضر بوده بعد از آن مقبره سید رکن الدین خداداد که از دشت خروج یعنی قریب به فلکه فعلی نزدیک بند میزان بوده تا پایین مسجد سید ناصرالدین و این مقبره در وسط

شهر واقع بوده است. وقت احداث خیابان، قبور این قبرستان کشف شد و قبور زیادی از سنگ بریده پیدا شد با سنگ قبرهای بزرگ. بعض آنها به خط ثلث برجسته بالای آن قبور نوشته بود. قبرستان دیگری بالای همان قبور از خاک بود معلوم شد دو طبقه است قبرستان براء بن مالک. قبرستان مقام امام زاده عبدالله. قبرستان مقام سید حسین. (شرف الدین، بی تا: ۱۱۶-۱۱۵-۱۱۴) قبرستان دشت خروج وسط شهر بوده است. میدان ۱۷ شهریور امروزی است. دشت خروج پیوند زیادی با قیام های خوارج داشته است و احتمالاً اجساد خوارج که علیه خلفا خروج کرده بودند در این قبرستان، دفن شده اند.

سید رکن الدین خداداد از سادات تلغر است. نسب نامه خاندان سادات تلغروشتر بدین شرح است: «سید محمدمهدی تلغری بن شاه محمد بن نعمت الله بن سیدشاه محمد بن سید فخرالدین بن سید محمد بن سید محسن بن تاج الدین علی بن شمس الدین محمد بن فخرالدین علی بن شرف الدین محمد بن فخرالدین علی بن قطب الدین عبدالله بن نصیرالدین احمد بن عزالدین داود بن رکن الدین خداداد بن شهاب الدین حسن بن شرف الدین حسین بن شهاب الدین احمد بن شمس الدین محمد بن صدر الدین علی بن سید شهاب الدین احمد بن عبدالله بن امام موسی کاظم(ع)» (عبدالله جزایری؛ ۱۳۸۸: ۱۱۷)

در محله دشت خروج مدفون بود و این مقابر که در آن حوالی مجتمع شده، به سبب مجاورت آن بزرگوار است. احقر گوید: مقبره و مزار سید رکن الدین بعد از مرحوم آقا سید عبدالله به اندک مدتی اهالی شوشتر از او قهر کرده و او را نخواستند، گذاشتند خراب شد، حتی گنبد و بارگاه او را برداشتند و محل دشت خروج فعلاً خراب شده. جای آن قریب به فلکه حالیه و خیابان عرضی جانب مشرقی بوده. قبور اطراف آن زمان احداث خیابان از زیر زمین بیرون آمده. قبرستان مفصلی بوده با قبور بزرگ و امتداد این قبرستان از آنجا تا بقعه سید ناصرالدین بوده است. (شرف الدین، بی تا: ۱۱۶-۱۱۵-۱۱۴)

محله دشت خروج: از کهن ترین محلات و قبرستان های شوشتر بوده است و به اوایل قرن دوم هجری می رسیده است. (خروج خوارج). مدفن بسیاری از بزرگان و رجال شوشتر بوده است. امروزه فلکه(میدان) ۱۷ شهریور در شوشتر دقیقاً بر روی قبرستان بنا شده است. برخی از عامه مردم شوشتر روایت می کنند که هنوز قبور قدیمی زیر این فلکه(میدان) وجود دارد.

حضور امام رضا (ع) در شوشتر

در منابع از حرکت امام رضا (ع) از اهواز به تستر «تستر» نام قدیم شهر شوشتر است. اما با توجه به صراحت منابع که مسیر حضرت رضاع(ع) را از اهواز به سمت فارس مکرراً ذکر کرده‌اند به نظر می‌رسد توقف و یا گذر حضرت رضاع(ع) از این دو شهر (شوشتر و دزفول)، دور از واقع باشد، زیرا اولین منزلگاه از اهواز به سوی فارس «ازم» (ابن رسته، ۱۸۹۲م: ۱۸۸ و ۱۶۵) ابن حوقل «سوق

سنیبل» ذکر می‌کند: (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ۲۵۴-۲۵۳-۲۴۹) قدامه بن جعفر «جویرول» را اولین منزل و «ازم» را دومین منزل می‌شمارد: (قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱م: ۳۸۵-۳۸۴ و ۱۷۱) علاوه بر این راه، راههای دیگری از خوزستان به فارس منتهی می‌شود نگاه کنید به: (ابن رسته، ۱۸۹۲م: ۱۸۸؛ ابن خردادبه، ۱۹۹۲م: ۱۷۲ و ۱۶۲؛ لسترنج، ۱۴۱۳ه.ق: ۲۶۹-۲۶۸؛ اصطخری، ۲۰۰۴م: ۹۶-۹۵-۹۲) و اولین ناحیه آن ارجان است که سرحد فارس و خوزستان محسوب می‌شده است و از آنجا راه فارس به رامهرمز (غرب اهواز) منتهی می‌گردید، این در حالی است که شوشتر و یا دزفول در شمال این شهر امتداد می‌یابد و این تفاوت فاحش یکی از دلایل عدم توقف یا گذر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از این دو شهر است. با این وجود گزارش هایی از عبور حضرت رضا علیه السلام از شهر شوشتر و دزفول وجود دارد که بر اساس آنها حضرت از حوالی پل شوشتر گذشته و مسجدی نیز در آنجا به نام آن حضرت ساخته شده است. (عرفان منش، جلیل، ۱۳۷۶: ۶۷-۵۴)

قدمگاه و یا مسجد علی بن موسی الرضا (ع): یاقوت حموی یاقوت حموی در این باره، نوشته است که: در کنار رودخانه کارون، نزدیک بنای شادروان، مسجدی، که منسوب به امام علی بن موسی الرضا (ع) بوده است که ایشان به هنگام آمدن از مدینه و گذشتن از شوشتر به سوی خراسان، آن را بنا نموده اند. (حموی، ۱۳۸۳: ۱/۳۶۴)

گزارشی نیز از مقدسی در احسن التقاسیم وجود دارد و در آن اشاره به یک پل و مسجد و شادروان دارد که در میان رودخانه دجیل (کارون) شادروان عظیم شوشتر را برای بالا آوردن آب رودخانه ساخته بودند تا آب از کاروان وارد نهری که حفر کرده بودند شود و ناحیه خاوری آن شهر را مشروب سازد قرار داشت. این پل توسط امیر عضد الدوله (امیر عضد الدوله دیلمی از سال ۳۳۸ تا ۳۷۳ ه. ق حکومت کرد و در سال ۳۶۷ اهواز را به تصرف خود درآورد). ویران و از نو بنا شد و بنا به گفته مقدسی مسجد، مشرف بر رودخانه است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۱۱۱) حسینی شوشتری مرعشی، ۱۳۵۲: ۱۰-۸، ۱۲، ۱۳، ۸-۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۷۳-۱۷۰؛ ۲۵۲).

علاوه بر آنچه یاقوت حموی و مقدسی ارائه داده‌اند، تاریخهای محلی شوشتر، دزفول و خوزستان از وجود چندین بقعه و منزلگاه یا نظرگاه منسوب به امام علی بن موسی الرضا (ع) در نواحی شوش و دزفول، سخن می‌گویند.

سه بقعه به نام امام رضا دیمی وجود دارد که دوتای آن در شهر شوشتر، کمی دورتر از پل شاه علی و لشکر. و دیگری در شرق این شهر، مشرف به رودخانه شطیط است. (بقعه سوم نیز در شهر دزفول و در ضلع شرقی این شهر در کنار کوره آجرپزی قرار دارد. شرف الدین شوشتری در این باره می‌نویسد: دیم به لفظ شوشتری، جای بی‌آب را گویند و می‌افزاید که سه بقعه در شوشتر

به همین نام است. (شرف الدین شوشتری، بی تا: ۱۰۱- ۱۰۰) دیگری در شوشتر وجود دارد و در این شهر اخیر دو بقعه دیگر به نامهای «امام ضامن» در حوالی کنارستان و بقعه امام رضا علیه السلام در حوالی بلوک عقیقی (اقتداری، ۱۳۵۳: ۱/ ۸۶۹ و ۷۷۵-۷۷۱) دیده می‌شود.

وجود این بقاع و یا قدمگاهها در شهر دزفول و شوشتر قابل تأمل است و در نگاه اول می‌رسانند که حضرت رضا علیه السلام در مسیر راهشان به خراسان از اهواز به سمت شوشتر و دزفول عزیمت کرده‌اند.

تضاد حاکمیت معنوی و سیاسی شوشتر در زمان یعقوب لیث

حضور یعقوب لیث صفاری در خوزستان، مقدمه لشکرکشی وی، به دارالخلافه بغداد بود. (۲۶۳ ه.ق) ابن اثیر در این باره نگاشته است: «یعقوب لیث از فارس به سوی خوزستان لشکر کشید هنگامی که به جندی شاپور رسید تمام سپاهیان خلیفه المعتمد عباسی از جندی شاپور عقب نشینی کردند.

حدود سال ۲۶۰ ه.ق یعقوب لیث یکی از خدمتگزاران خود بنام خضر بن عنبر را به سوی اهواز فرستاد علی بن ابان و پیروان او که، طرفداران صاحب الزنج بودند با رسیدن سپاه خضر بن عنبر، به عسکر مکرّم گریختند میان پیروان صاحب الزنج و سپاهیان یعقوب لیث، درگیری‌های مختصری روی داد یعقوب لیث فرمان داد که پیروانش، از دیگری با علی بن ابان و دیگر زنگیان خودداری کنند. (ابن اثیر ۱۳۷۱: ۱۸/ ۱۵۷) یعقوب لیث با سپاهیان خویش رهسپار، فتح بغداد شد اما او، در دیر عاقول میان شهر واسط و بغداد شکست خورد (۲۶۲ ه.ق وفات یعقوب لیث در سال ۲۶۵ ه.ق، در جندی شاپور اتفاق افتاد. (مسعودی، ۱۳۸۲: ۶۰۰- ۵۹۹)

بحران‌های سیاسی در شوشتر تحت تأثیر شورش زنگیان

در سال ۲۵۶ ه.ق علی بن ابان امیر زنگیان، شهر شوشتر را، محاصره کرد و شروع به تهدید اهالی آن ولایت نمود اهالی شهر تصمیم گرفتند، تسلیم علی بن ابان و پیروان زنگیان شوند اما یکی از یاران، مسرور که امیر اهواز بود به نبرد زنگیان شتافت و در نبردی سهمگین، شکستی سنگین بر علی بن ابان و سپاهیان صاحب الزنج (زنگیان) وارد آورد که دیگر، از فتح شوشتر منصرف شدند این نبرد بزرگ مشهور به کورک بود. پس از این شکست، علی بن ابان سالار زنگیان به اهواز فرار کرد و در همین زمان موفق برادر خلیفه المعتمد عباسی که در خوزستان حضور داشت از شوش سوی جندی شاپور و شوشتر لشکر کشید. هدف «موفق»، برادر خلیفه المعتمد عباسی، گرفتن باج و خراج و تاراج این شهرها بود در رسیدن به هدف خویش، موفق شد، شوشتر به دلیل حضور نیروهای مخالف و متضاد در خوزستان، صحنه پیکارهای بی سرانجامی میان این نیروها بود. از یک سوی نیروهای خلیفه عباسی و پیروان آنها و از یک سوی دیگر نیروهای علی بن ابان و

سپاهان زنگی او و از دیگر سو، لشکر تازه نفس، یعقوب لیث صفاری. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۷۱/۱۸-۱۷۰)

شوشتر و کشمکش های سیاسی خاندان آل بویه برای تصاحب آن

با تجزیه خلافت عباسی دوره سلسله های کوچک محلی شروع شد، به این دلیل به آنها محلی می گوئیم که هیچ یک از آنان، نتوانستند بر سراسر سرزمین ایران حکومت کنند. از میان سلسله ها، آنهایی که بر بخشی از شاهنشاهی ساسانی، مسلط شدند، به طور طبیعی به گذشته پیش از اسلام ایران نظر داشتند این امر، در مورد آل بویه آشکار تر است. (لمبتن، ۱۳۷۲: ۹-۸-۷) آل بویه در عراق و غرب ایران، بعد از دوره ای به قدرت رسیدند که شاهد تجزیه خلافت عباسیان و از هم پاشیدن قدرت خلافت و گسترش آشوب در بغداد بود.

امیر بهاء الدوله (۴۰۳-۳۸۸ ه.ق) در ابتدای حکومت، بامیر صمصام الدوله (۳۸۸-۳۷۹ ه.ق) به توافق رسید که حکومت فارس را به او واگذارد اما بهاء الدوله بعد از تثبیت قدرت خویش در عراق عرب به فکر دستیابی به فارس افتاد برای امیر صمصام الدوله، نیز تسلط بر خوزستان و تستر دارالملک آن، اهمیت زیادی داشت زیرا خوزستان، راه رسیدن به فارس بود میان این دو امیر آل بویه، بر سر تسلط بر خوزستان، نبرد های بسیاری شکل گرفت و سرانجام پیروزی، با صمصام الدوله بود. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۱۹۴-۱۹۳)

شوشتر دستخوش رقابت امرای محلی «برسقی» و «شمله» سال ۵۵۰ ه.ق

متأسفانه منابع تاریخی درباره حیات روزمره مردم ایران و یا چگونگی تاثیر رخنه سلجوقیان به ایران اطلاعاتی ارائه نمی دهند. بسیاری از نویسندگان پیشرفت های دوره سلجوقی را، به وزراء خصوصاً نظام الملک (متوفی ۴۸۵ ه.ق)، وزیر نخستین آل ارسلان و ملکشاه سلجوقی بود نسبت می دهند. (لمبتن، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱-۱۰) دولت سلجوقی بعد از مرگ نظام الملک و ملکشاه، شکوه و عظمت خویش را، از دست داد در دوره جانشینان ملکشاه، نبرد های بی سرانجامی میان شاهزادگان این خاندان، اتفاق افتاد که نفوذ قدرت دولت سلجوقی را، کاهش داد در جنگ هایی که میان سلطان محمد و برکیارق روی داد، خوزستان و دارالملک آن، تستر، به دست سرداران و طرفداران وابسته به برکیارق، افتاد که از مهمترین این سرداران در خوزستان، خاندان برسق، را می توان نام برد. (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/۷۵۳-۷۵۰)

در سال های ۵۵۰ ه.ق تا حدود سال ۵۹۰ ه.ق، خوزستان و مرکز آن تستر (شوشتر)، توسط خاندان شمله که مدتی اتابک سلطان ملکشاه بن محمود سلجوقی بود، اداره می شد امیر ایدغدی معروف به شمله و مشهور به قساوت و خونریزی بود. سلطان ملکشاه بن محمود سلجوقی تلاش کرد خوزستان را از نفوذ قدرت خاندان شمله، برهاند اما توفیق چندانی نصیب او نگشت، سرانجام

وزیر خلیفه الناصر عباسی، که موید بن قصاب بود توانست خاندان شَمَلِه را، سرنگون سازد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۶ / ۲۹۱)

شوشتر در کوران رویارویی خوارزمشاهان و خلافت عباسی تا سلطه مغولان

در سال ۶۲۱ ه.ق، در ماه شعبان، خلیفه عباسی الناصرالدین الله، به مؤید الدین ابو عبد الله محمد بن علی، معروف به ابن قصاب، خلعت وزارت پوشاند و فرمان حکومت داد. مؤید الدین در ماه رمضان حرکت کرد و رهسپار شهرهای خوزستان شد.

شهرها را نیز می‌شناخت و می‌دانست که از کدام سوی می‌توان به خوزستان راه پیدا کرد و بر آن دست یافت. از این رو، همینکه در بغداد به نیابت وزارت رسید به خلیفه پیشنهاد کرد که وی را با لشکری به خوزستان بفرستد تا آن جا را بگیرد جلال الدین خوارزمشاه اصفهان را گرفت و از آن جا به سوی فارس رهسپار گردید. برادر او به برخی از شهرهای فارس دست یافته بود. جلال الدین شهرهایی را که برادرش گرفته بود به اتابک سعد، فرمانروای فارس، برگرداند و با وی مصالحه کرد، و از پیش او رهسپار خوزستان گردید در خوزستان، در ماه محرم، شهر شوشتر را محاصره کرد.

امیر مظفر الدین، معروف به وجه السبع، مملوک خلیفه الناصر لدین الله، از شوشتر نگهداری می‌کرد و در آن جا فرمان می‌راند. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۰ / ۱۱۶)

بعد از آنکه سلطان جلال الدین بر برادر خود فایق آمد و غیاث الدین در سلک متابعان و امرای او معدود شد عازم خوزستان گردید و زمستان سال ۶۲۱ را در آن سرزمین گذراند و جمعی از رؤسای لر نیز به اطاعت او درآمدند، سلطان از خوزستان رسولی پیش ناصر خلیفه فرستاد و از او کمک خواست تا بمدد ایشان بدفع مغول بپردازد ولی خلیفه که از رفتار سلطان تکش و سلطان محمد خوارزمشاه جد و پدر سلطان جلال الدین آزرده‌خاطر بود و کینه خوارزمشاهیان را در دل داشت دعوت او را اجابت نکرد بلکه در صدد دفع او برآمد و یکی از امرای خود را که جمال الدین قشتمر نام داشت با ۲۰ هزار نفر به جلوگیری او فرستاد و مظفر الدین کوبوری (۶۳۰-۵۸۶ ه.ق) صاحب اربل را هم بفرستادن کمک و دفع جلال الدین دعوت نمود.

سلطان جلال الدین بعد از تسخیر شوشتر و غلبه بر امیر مظفر الدین وجه السبع دست‌نشانده خلیفه برآن شهر و فتح بصره و شکست دادن اردوی جمال الدین قشتمر به عراق عرب رفت. (جوینی، ۱۳۸۵: ۲ / ۲۰۳-۲۰۱)

نتیجه گیری

بعد از استقرار دین اسلام در ایران قوانین دوره ساسانی به کلی دگرگون شد خلفای وقت بر مردم ظلم و جور روا می‌کردند و مالیات های گزاف می‌گرفتند و تبعیض طبقاتی و تضادهای اجتماعی را نه تنها از میان نبرده بودند بلکه شدت بیشتری به خود گرفت. در دوره عباسیان

خوزستان تحت تسلط کامل اعراب قرار داشت حکمرانان آن از طرف خلفا تعیین می شدند و جزء حکومت بصره به حساب می آمدند. با روی کار آمدن خلفای عباسی آنچه که مسلمانان نوید داده بودند رنگ دیگری به خود گرفت .

بعد از آنکه مسلمانان در سال ۲۱ ه.ق شوشتر را فتح کردند، ابوموسی اشعری به عنوان والی شوشتر منصوب شد. در دوران خلافت اموی و عباسی شوشتر، بخشی از قلمرو خلفا محسوب می شده است. در دوره صفاری، یعقوب لیث، شوشتر را کانونی برای مبارزه با خلافت عباسی قرار داده بود. علاوه بر آن درگیری های داخلی میان جانشینان عضالدواہ دیلمی، در شوشتر منجر به جنگ و گریز میان شاهزادگان دیلمی می شد. در دوره سلجوقی، بعد از سلطنت ملکشاه و افول قدرت مرکزی، شوشتر به عنوان یکی از مراکز مهم در دست امیران و سرداران سلجوقی قرار داشت، به طوری که (خاندان شمله) حدود ۵۰ سال در شوشتر حکومت داشته است.

در دوره خوارزمشاهیان، و خصوصا سلطان محمد و سلطان جلالدین، شوشتر یکی از شهرهای محسوب می شد که، تسلط بر آن، باعث تنش هایی میان خلیفه عباسی و خوارزمشاه شد. در دوران ایلخانان، شوشتر یکی از شهرهایی است که تابعیت ایلخانان مغول را تقریباً بدون کشتار و خونریزی پذیرفته است حدود سال (۵۶۴ ه.ق) این جریان، اتفاق افتاده است.

منابع

- ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد (۱۳۷۱). تاریخ کامل اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، ابو القاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳). العبر فی التاریخ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات .
- ابن مسکویه، احمد بن علی (۱۳۷۶). تجارب الامم، ترجمه ابو القاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران: توس.
- ابن عبدربه (۱۴۰۴ ه.ق). العقد الفرید، تصحیح محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه .
- اقتداری، احمد (۱۳۵۳). دیار شهرباران، انجمن آثار ملی.
- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ ه.ق). انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۷۷). فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸). تاریخ بلعمی (تاریخنامه طبری)، تصحیح محمد روشن، تهران: سروش.
- بیات، عزیزالله (۱۳۸۳). کلیات جغرافیای طبعی و تاریخی ایران، تهران: امیر کبیر.
- جزایری شوشتری، سیدعبدالله (۱۳۸۸). تذکره شوشتر، مقدمه و تصحیح مهدی کدخدایی طراح، اهواز: تر آوا.

- جوینی، علاء الدین عطا ملک (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشای جوینی، تهران: دنیای کتاب.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبد الله خوافی (۱۳۷۵). جغرافیای حافظ ابرو، تهران: میراث مکتوب .
- حموی یاقوت (۱۳۸۳). معجم البلدان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور .
- دمشقی انصاری، شمس الدین محمد بن ابی طالب (۱۳۸۲). نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر، تهران: اساطیر.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۳). اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- شرف الدین شوشتری، مهدی (بی تا). تاریخ شوشتر، بی نا، بی جا.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۹۱). مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه.
- شوشتری مرعشی الحسینی، علاء الملک (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، مقدمه و تصحیح و تعلیق، میر جلال الدین ارموی محدث، تهران: چاپخانه بهمن.
- شوشتری، میر عبداللطیف خان، (۱۳۶۳). تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران، کتابخانه‌ی طهوری.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه میر هاشم محدث تهران: امیر کبیر.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران: امیرکبیر.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۲). الگوهای استقرار و فرهنگ های پیش از تاریخی دشت شوشان: بر اساس تحلیل مجموعه حاصل از بررسی ف.ج.ل.، ترجمه لیلایاپلی یزدی، عمران گاراژیان، تهران: میراث فرهنگی کشور.
- عرفان منش، جلیل (۱۳۷۶). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، مشهد : آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی. (۱۳۷۲) ترجمه محمد بن مستوفی مروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: آموزش و پرورش
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲). اطلاق النفیسه. بیروت: دار صادر.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۹۳۸). صورہ الارض، بیروت: دار صادر.
- ابن خردادبه، عبیدالله به عبدالله (۱۹۹۲ م). المسالك و الممالک. بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳). العبر فی التاريخ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات .

- ابن مسکویه، احمد بن علی (۱۳۷۶) تجارب الامم، ترجمه ابو القاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران: توس.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴). تصحیح محمد جابر عبدالعال حینی، قاهره: الیهیئة العامة لقصور الثقافة.
- کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر (۱۹۸۱ م). الخراج و صناعة الكتابة، تصحیح محمد حسین زبیدی، بغداد: دار الرشید للنشر
- لسترینج، گای (۱۴۱۳ ه.ق). بلدان الخلافة الشرقية، تعریب بشیر فرنیسیس، کورکیس عواد، قم: شریف رضی .
- لمبتن، آن، (۱۳۷۲). تداوم و تحول در تاریخ ایران میانه، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۵). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- لین، جورج (۱۳۸۹). ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، ترجمه ابوالفضل رضوی، تهران: امیرکبیر.
- مقدم، عباس (۱۳۸۵). بررسی باستان شناختی میاناب شوشتر، تهران: میراث فرهنگی کشور.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۷). گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه های تاریخی، تهران: حروفیه.
- مستوفی قزوینی، حمد الله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، تهران: امیر کبیر.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲). مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ (البداء و التاریخ)، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶). البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ملایری، محمد مهدی (۱۳۷۹). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران: توس.
- وبر، ماکس (۱۳۹۰). شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: انتشار.

- ولی عرب، مسعود؛ بحرانی پور، علی؛ زاهد زاده، سعید (۱۳۹۵). تاریخ سیاسی - اجتماعی شوشتر از ورود خاندان گرجی واخوشتی خان تا پایان حکومت افشاریه، اهواز: ترآوا.

مقالات

- عطایی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳). رستقباد خوزستان و رستقباد عراق؛ بررسی جغرافیای تاریخی نام های مشابه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۶، صص ۱۳۰-۱۱۳.
- بحرانی پور، علی و دیگران (۱۳۹۴). تاثیر فتوحات اسلامی و سیاست های مالی تازیان مسلمان بر کشاورزی خوزستان، تاریخ اسلام و ایران، ش ۲۷، صص ۳۳-۵.
- بحرانی پور، علی و کاظمی، سجاد (۱۳۹۵). دلایل برآمدن و زوال شهرهای مسیر رودخانه کارون در خوزستان قرون ۴-۵ ه.ق، مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۲۶، صص ۲۸-۱.
- سرافراز، علی اکبر (۱۳۴۸). شهر تاریخی دستووا در شوشتر، باستان شناسی و هنر ایران، ش ۴، صص ۷۶-۷۹.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۳). کاوش آثار الیمائی گلالک شوشتر، میراث فرهنگی، ش ۱۲.
- ولی عرب، مسعود، بحرانی پور، علی (۱۳۹۴). گرجیان شوشتر در دوره صفویه، شیراز: پارسه، ش ۲۵ : صص ۱۴۷-۱۳۵
- ولی عرب، مسعود، قزلباشان، امین (۱۳۹۴). حکمرانان گرجی خوزستان در دوره صفویه، تهران: کارنامه تاریخ، ش ۳، ۱۶۲-۱۴۲
- زاهدزاده، سعید (۱۳۹۵). پژوهشی بر بقایای معماری پارت و ساسانی در دامنه کوهستان فدک شوشتر، کارشناسی ارشد باستان شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی